

پادکست حضرت نوح | قسمت سوم

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلِّي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَثِيرًا.»

بسم الله الرحمن الرحيم

گفت که چه؟ من برای شما نذیرم، من بیم دهنده ام، من هشدار میدهم من داد میزنم. منم از اون چهره های شخصیت های آنچنانی.

دور و بر حضرت نوح رو نگرفتند. قرآن میگوید «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»

آیا مردم دارند تکذیب میکنند؟ هم بله هم نه.

قرآن ریشه یابی میکند. میگوید مردم در درجه اول تکذیب نمیکنند. مردم با پیغمبر ها مشکلی ندارند.

«سلام من علی نوح فی العالمین.»

علت انذار دهنده بودن نوح علیه السلام

بسم الله الرحمن الرحيم.

سلام عرض میکنم خدمت همه عزیزان محفلی پادکستی که داریم این جلسات رو با همدیگه گوش میکنیم و جلو می رویم.

در ایامی داریم این پادکست را ضبط می کنیم که سید مقاومت سید حسن نصرالله عزیزمان اسمش شده است سید الشهداء مقاومت. ثواب و بهره ای اگر از این پادکست هست تقدیم می کنیم به روح بزرگ سید الشهداء مقاومت سید حسن نصرالله عزیزمان.

خب داشتیم راجع به حضرت نوح صحبت می کردیم. یک پیغمبر آخرالزمانی است. پیغمبر آخرالزمان؟ اینکه پیغمبر اول الزمانی بود که نه پیغمبر آخرالزمانی یعنی ویژگی هایی در حضرت نوح هست که این ویژگی ها از این جهت به شدت مورد توجه است که همین ویژگی ها در حکومت جهانی حضرت مهدی و قبل از قیام های حضرت مهدی که ان شاء الله ما در همین زمان قرار گرفته باشیم، ما با همین مسائلی که حضرت نوح مواجه است ما هم مواجهیم. مومنین با همان مسائل، با همان سنن، با همان عذاب ها، با همان غریبال گری ها و و و همه اینها مواجهند. مسائلی مطرح کردیم، گفتیم راجع بهش صحبت می کنیم.

یکی از مسائلی که در انتهای جلسه گذشته راجع بهش صحبت کردیم این که آیا حضرت نوح خیلی خشن برخورد نکرده است؟ یعنی مدل خیلی یه کشتی درست بکند و یه چند نفری رو سوار بکند و بعد همه رو غرق بکند، آیا این خشن یک مقداری نیست؟ جواب چرا یک مقدار اینجوری به نظر میاید ولی شرایط زمانه است. شرائط زمانه ای که حضرت نوح دارد در آن شرایط زندگی میکند و به پیغمبری برگزیده شده است شرایط ویژه ای است.

نوح یک منجی ای است که باید عالم را یک دور ریست کند. عالم باید یک دور از اول شروع بکند. کار عالم خیلی پیچیده شده است. خیلی بد شده است. انشالله حضرت مهدی ما هم عجل الله تعالی فرجه الشریف همین کار را خواهند کرد.

ببینید نکته این است. من عرض کردم ما آیات زیادی داریم «وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ» مرسلین به صورت مبشر و منذر بشارت دهنده و ترساننده میایند. اما حضرت نوح اینجوری نیست حضرت نوح انگار نذیر است فقط. انگار آمده است بترساند. آمده داد بکشد سر مردم. چرا؟

به دلیل اینکه فرض کنید یک ماشینی ترمز بریده است و دارد می رود ته دره. آنجا با راننده آنجا خوش و بش نمیکنند. نمیگویند که مثلا عزیزم تو چیکار بکن. به نظر میاید که باید دنده را اینجوری عوض کنی و اینها. نمیگویند که فقط داد میزنند سرش.

میگویند ترمز را بگیر دره! داد و هوار!

این کاری است که حضرت نوح در حقیقت این کار را زیاد میکند. برای همین است که در آیه قرآن هم در سوره مبارکه نوح هم در سوره مبارکه هود وقتی که میخواهد حضرت نوح را توضیح بدهد به صورت نذیر توضیح میدهد، ترساننده توضیح میدهد.

ببینید همان اول سوره مبارکه نوح اینجوری است.

«بسم الله الرحمن الرحيم إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»

ما نوح را فرستادیم به سمت قومش. اینکه به نوح گفتیم «أَنْ أَنْذِرَ قَوْمَكَ» قوم خود را بیم بده و هشدار بده. «مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» معلوم است کار را به یک جایی کشانده بودند که انتظار دیگر دره است. انتظار عذاب علیم است.

«قَالَ يُقَوْمٌ» آنموقع خود نوح میگه چی؟ «إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ» میگوید ای قوم من «إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ» من نظیرم من بیم دهنده و ترساننده ام.

همین مطلب در سوره مبارکه هود از آیه ۲۵ وقتی که میخواهد توضیح بدهد و توصیف کند جریان نوح را به همین سبک.

«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ* أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمِ أَلِيمٍ» ما نوح را ارسال کردیم به سمت قومش گفت که چیه من برای شما نذیرم، من بیم دهنده ام، من هشدار میدم، من داد میزنم «أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ» جز خدا نپرستید دارید میروید ته دره ها.

«إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ» من میترسم برایتان دارید کاری میکنید که خدا، این تعبیر رو نمی دانم می پسندید نمیدونم ولی درست است این تعبیر. خدا دارد به این نتیجه می رسد اینجوری که اینها دارند میروند باید دیگر سیفون رو کشید. اینها گند زدند به همه چی و دارند به همه چی گند می زنند.

جوری شده است که نوح به خدا میگوید خدایا «وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكُفْرِينَ دَيَّارًا» نوح دیگر به ستوه آمده است انگار. دارد میگوید که خدایا نگذار روی زمین یک کسانی، یک دیار، جنبنده ای دیگر روی این زمین باقی نگذار. اینها اینجوری شده اند.

«إِنَّكَ إِنْ تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ» اینها را ولشان کنی دیگر همه را خراب میکنند. همه چیز را خراب میکنند. «وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاكِرًا كَفَّارًا» انقدر این انحراف زیاد شده است که اینا حتی فرزند بیاورند فرزندان فاجر. کفار نسل بدکار ناسپاس. بیخودی اینها بوجود میاورند. دیگر کار تموم شده است انگار کار به بیخ رسیده است. خدا اینجا قرار است یک دور عالم را ریست کند. کار لذا خیلی خراب شده است.

خب حالا در این وضعیت خراب که باز دوباره باید به سری توصیفات بکنیم راجع به اینکه چه شده که این قوم، قوم تکذیب گر شده است. یعنی «كذبت قوم نوح المرسلين.» قوم نوح نه تنها رسول خودشان، یعنی نوح را دارند تکذیب میکنند، همه را دارند تکذیب میکنند، همه چیز را دارند تکذیب میکنند، تمام مرسلین را دارند تکذیب میکنند. اصلا این سلسله را دارند تکذیب میکنند. کارشان به این بن بست های اینجوری رسیده است.

تکذیب تشکیلاتی

باید باز دوباره یک مقداری من راجع به شرایط نوح توضیح بدهم. چرا؟ چون که دو تا سوال را میخواهم یک جا با همدیگر یک خورده به آن پردازیم.

یادمان هست که آن اولش که خواستیم تیتیر بگوییم، خواستیم عنوان بگوییم اونجا من عرض کردم خدمتتان. یک ساخت کشتی خیلی عجیب بود. اینا میامدند نگاه میکردند میدیدند که اینها دارند کشتی میسازند.

مردم دارند میبینند که در یک بیابونی داره کشتی میسازد. خب مسخره میکردند. اشکال ندارد به نظرتان؟ نه شما بودی مسخره نمیکردی؟

میدیدند دور و بری های نوح یک سری جوون خام هستند، یک سری بی کلاسند، یکسری پاپتی اند. از اون چهره های شخصیت های آنچنانی دور و بر حضرت نوح را نگرفتند. یکسری جوان جاهل به تعبیری حالا دور و بر حضرت نوح را گرفتند میگویند این چه دینی است تو داری؟

لذا بابت این هم مسخره میکردند و طعنه میزدند. من این دو تا سوال رو میخواهم جواب بدم. منتهی مراتب لازم است من یک مقدمه ای بگویم. این مقدمه مهم است. اگر این مقدمه را نداشته باشیم واقعا خودمان را در آن شرایط میگذاریم میبینیم که بد هم نیستند. بد هم نگفتند. مثلا این شرایط را من میخواهم یک مقداری توضیح بدهم.

برای شروع در بحث من از آیات سوره مبارکه صاد استفاده بکنم، ببینیم آیا واقعا قوم نوح، مردم نوح و مردم قومند دارن تکذیب میکنند؟ یا اگر مردم دارن تکذیب میکنند ریشه در چیز دیگری دارد؟

در آیه ۱۲ به بعد سوره مبارکه صاد دارد «كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَارِ» قبل از پیغمبر هم قوم نوح، قوم عاد و فرعون که دارای تمام ابزارهای حاکمیتی بوده است آن ها هم تکذیب کردند. این یک کار جدیدی نیست. تکذیب پیغمبران یک کار جدید نیست.

«وَتَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ لَيْكَةِ» قوم حضرت صالح که ثمود است، قوم لوط و اصحاب الایکه که اینها در مقابل حضرت شعیب بودند اینها هم تکذیب کردند و تکذیب کردن سنت بر پیغمبران است «أُولَئِكَ الْأَخْرَابُ» خوب دقت کنید اینجا به این میگویند تکذیب تشکیلاتی. تکذیب حزبی.

درست است مردم را بازی میدهند درکار، از مردم به عنوان پیاده نظام استفاده میکنند، حرف خودشان را از دهن مردم میکشند بیرون کسانی که کانال دارند اینستاگرام دارند، کسانی که اینفلوئنسر اند. کسانی که در حقیقت دور و براند که حالا بعدا بهتان میگویم اسمشان را قایم میکنم بعدا اسمشان را میگویم. یک اسم خوشگل دارن اینها.

این کسان در حقیقت بقیه را بازی میدهند. از اینها سواری میگیرند. منتهای مراتب یک تکذیب تشکیلاتی است. اینجوری نیست که شخص مثلا فرض کنید آمده نوح رو دیده است، دعوت نوح را دیده گفته است عجب چرت و پرتی میگوید من اصلا قبول نمیکنم اینجوری نیست. «أُولَئِكَ الْأَخْرَابُ» این تکذیب وقتی است که به صورت تشکیلاتی در میاید. اینجا است که کار خراب میشه. «إِنْ كُلُّ إِلَّا كَذَّبَ الرَّسُولَ فَحَقَّ عِقَابٌ»

اینها پیامبران رو تکذیب کردند، انکار کردن اینها. نیست مگر اینکه اینها این کار را کردند. به صورت تشکیلاتی «فَحَقَّ عِقَابٌ»

آن موقع بود که عقوبت بر همه این کسانی که به صورت تشکیلاتی دارند آن رسول را و دعوت او را نقض می کنند. خدا اینها را عذاب می کند.

بله یه نفر ممکن است حالیش نباشد، آدم در پیتی باشد، این آدم تکذیب بکنند خدا کاری با این ندارد. با این کارهایی که حاکمیت ها انجام میدهند و تکذیب های تشکیلاتی و حاکمیتی با اینها کار دارد. من این مقدمه رو که گفتم بریم یه خرده وارد بحث بشویم.

ببینید انبیا که میانند و توصیه هایی که می کنند و کارهایی که می کنند یه فانتزی اخلاقی ندارند اینها که بله ما مثل عرفای مثلا گوشه نشین و دیر نشین میایم به آدم ها می گویم که بلند شوید بیایید وارد دین بشوید، دین را قبول کنید اینها نه اصلا. قرآن میگه «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الزَّلَّاتِ» این خیلی حرف است. اینها حرفشان، همه این رسول و انبیا، این است که خودشان را با خلاصه لیگ دسته سه درگیر نمی کنند. نه از اون اول میرن میزنن تو قطب قضیه «أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الزَّلَّاتِ»

بیایید عبودیت خدا و اجتناب از این طاغوت ها. یعنی برای قطب شدن خودشان، خودشان را با قطب درگیر میکنند، خودشان را با آمریکا درگیر میکنند، خودشان را در لیگ سه و چهار و زمین خاکی و اینا نمیبینند. اینها اصلا کلاسشان نیست که خدا بیاید یک تیم درست کند به نام تیم انبیا بعد اینها بروند در زمین خاکی بازی کنند. اصلا این کار را نمیکند خدا.

خدا وقتی که بهترین بندگان خودش را با بهترین دور و بری ها، اینها را به عنوان مربی و کاپیتان و بسیار آدم های ویژه ای را در تیم خودش ثبت نام میکند، این آدم ها را در لیگ های پایین دخالت نمیدهد در درجه اول. اینها کسانی هستند که مثلا شما فرض کنید الان یکی از تیم های خوب مثل پرسپولیس، استقلال اینها. اینها کلا حاضرین بروند با یه تیم محلات بازی کنند؟ اصلا بازی نمیکنند هر چقدر هم پول بدی بازی نمیکنند. اینها کلا در لیگ های خودشان بازی میکنند.

خوب انبیا هم اینجوریند. خوب حالا که اینجوری میشود، میشود اول درگیری. اول درگیری با طاغوت. دقیقا ادعایشان همون ادعایی هست که آن طاغوت دارد او ادعایش جهانی است، کلا تسلط بر همه اجزا و افعال یک ملت. انبیا هم در همین لیگ بازی میکنند. اونها میخواهند همین کار را بکنند. میخواهند جامعه را توحیدی کنند. میخواهند از دست طاغوت در بیاورند. اینها هم با همدیگر جمع پذیر نیستند.

یعنی شما نمیتوانید بگوید طاغوت تو هم باش، آمریکا تو هم باش، تو هم رو جهان گندگی کن، من هم میخواهم رو روی جهان گندگی کنم. تو به توحید دعوت کن. من به شرک دعوت می کنم. نه. اینجا همان جایی است که شیطان درگیری اش با آدم شروع میشود. این قصه ی آدمیت است.

خوب حالا میخواهند دعوت کنند. طرف مقابل ما، یعنی طرف دشمن ما، آمریکای ما، او محدودیت ندارد. هر غلطی دلش بخواهد به هر ابزاری هم که دلش بخواد می کند. او چفت و بست ندارد. او چارچوب ندارد. او نتیجه برایش مهم است. با هر ویژگی ای اگر به آن نتیجه بخواهد برسد می رسد. حتی ویژگی ایی که قرآن میگوید.

میگوید اینها به کاری میکنند، در این فضاها مجازی، اینستاگرامی، دعوت به شهوت های آنچنانی فلان، کاری میکنند. حتی با فضای اینترنیمنت، حتی با فضای سرگرمی ها یک کاری میکنند انقدر حقیرت میکنند، که تو انقدر حقیر بشوی که بیای سطح پایینتر باشد و بعد شروع کنی از آنها حمایت کردن و دنبال راه آنها را گرفتن. ابزار هم دارند. بگذار یک چندتا آیه با همدیگر بخوانیم این تفاوت را احساس کنید. اما جبهه حق و جبهه با حق اساساً نمیتواند همه کار بکند. باید قد آدمها رو بلند کند. نمیتواند قد آدمها را کوتاه کند. جبهه حق به تعبیر قرآن پیغمبر میگوید «فَلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ»

می گوید این راه من است. راه من اینجوری است. راهش را توضیح داده است. میگوید من دعوت می کنم بر بصیرت کسانی هم که تبع منند آنها هم باید دعوت کنند بر بصیرت. من و تابعینم کسانی هستیم که آگه آدمها را بخواهیم بیاوریم در راه، دعوت میکنیم به بصیرت. باید قد طرف بلند شود، باید چشم طرف باز شود. نه اینکه من بتوانم چشمش رو ببندم، کورش بکنم بعد بگویم حالا دستت را بده به من. اینجوری نیست.

رسانه کفر، ابزار تخرخر مردم

در آیه ۵۱ به بعد سوره مبارکه زخرف نگاه بکنید. دارد «وَوَادَّيْ فِرْعَوْنَ فِي قَوْمِهِ» فرعون در میان قومش ندا داد، ندا داد میدانی یعنی چه؟ یعنی تمام رسانه اش را به کار گرفت چونکه نمایا فریاد بزند. حالا به شما میگویم برخی از رسانه هایش همین اینفلوئنسرهایشند. همین آدم های سلبریتی هایشان. اینها هستند که همان فریاد را دارند با یک پژواک بسیار عظیم در جامعه پخش میکنند «فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يُقَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي» پادشاهی مصر شایسته کیست، برارنده کیست و حال آنکه تمام امکانات دست من است. تمام این نهرها از زیر کاخهای من رد میشه. «أَفَلَا تُبْصِرُونَ» نمیبینید؟

«أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ» مگر نه این جوری است که من از این کسی که خوار و بی مقدار است و اصلاً بلد نیست حرف بزند حرف میزند با کلاس حرف نمیزند. لغات انگلیسی به کار نمیرد. بلد نیست. کی بالاتر است؟ خب معلوم است من بالاترم. دیدید بعضی ها چند تا عبارتهای عجیب و غریب میگویند، چهار تا ایسم و فلان و اینها میگویند، چشم ها را گرد میکنند میگویند اینجوری است.

«فَلَوْلَا أَلْقَىٰ عَلَيْهِ أَسْوَرَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقَرَّنِينَ» اگر شخصیت داشت چرا دستبندهای طلائی و جام این مدلی، چرا ماشین آخرین مدل ندارد؟ پیغمبر ما را میگفتند چرا روی خر سوار میشود؟ چرا ماشینهای آخرین سیستم ندارد؟ چرا این مدلی است این؟ چرا فرشتگانی، مگه ادعا نمیکند؟ ببینید تخرخر یعنی این. یعنی اینکه طرف خرش کنی. این یکی از ویژگی های فرعون های عالم است. آقا مگه نمیگی من با فرشته ها همکارم؟ خب کو فرشته هایش؟ کو فرشته هایش؟

ببینید انقدر طرف را با ندا، با تمام ظرفیت رسانه ای که دستش هست انقدر جامعه خودش رو حقیر میکند که قرآن میگوید «فَأَسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ» او استخفاف ایجاد کرد آوردشان پایین کورشان کرد، اینها هم اطاعت کردند «إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ» آنها شدند قوم فاسق.

حالا باید این رو بررسی کنیم.

ان شاء الله جلسه بعد.

خب حاج آقا این مقدمه ای که گفتید به نوح چه ارتباطی داشت؟ چه ارتباطی به قوم نوح داشت؟ مگر چی کار کرده بودند اینها؟ مگر آدم این مدلی استخدام کرده بودند؟ جواب آره. باید بریم آیات را ببینیم. جامعه، جامعه، نوح انقدر سطحش آمده بود پائین و دنیا گرا شده بود که دنبال یکسری سلبریتی افتاده بود. دنبال یکسری کانال های اینستا و کانال های تلگرامی که سبک زندگی فلان جوری، آشپزی در فلان. نمی دانم چیه. مسافرت برویم با ماشین اینجوری. افتاده بودند در این حرفا.

وقتی افتادند در این حرفها آیا مردم دارند تکذیب می کنند؟ هم بله هم نه. قرآن ریشه یابی می کند میگوید مردم در درجه اول تکذیب نمی کنند. مردم با پیغمبر ها مشکلی ندارند، مشکل پیدا می کنند بعد از اینکه آن کانال داران، چهره ها، اونا مشکل ایجاد میکنند. میریم میبینیم. ببینیم میتونیم این ادعاهون رو اثبات کنیم یا نه.

با نوح باشید تا غرق نوشید.

«حافظ از دست مده صحبت این کشتی نوح/ ورنه طوفان حوادث ببرد. بنیادت»

یا علی. خداحافظ.